

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۰۴ جنوری ۲۰۲۰

مرجان کمال

برگشت به یادداشت های پراکنده

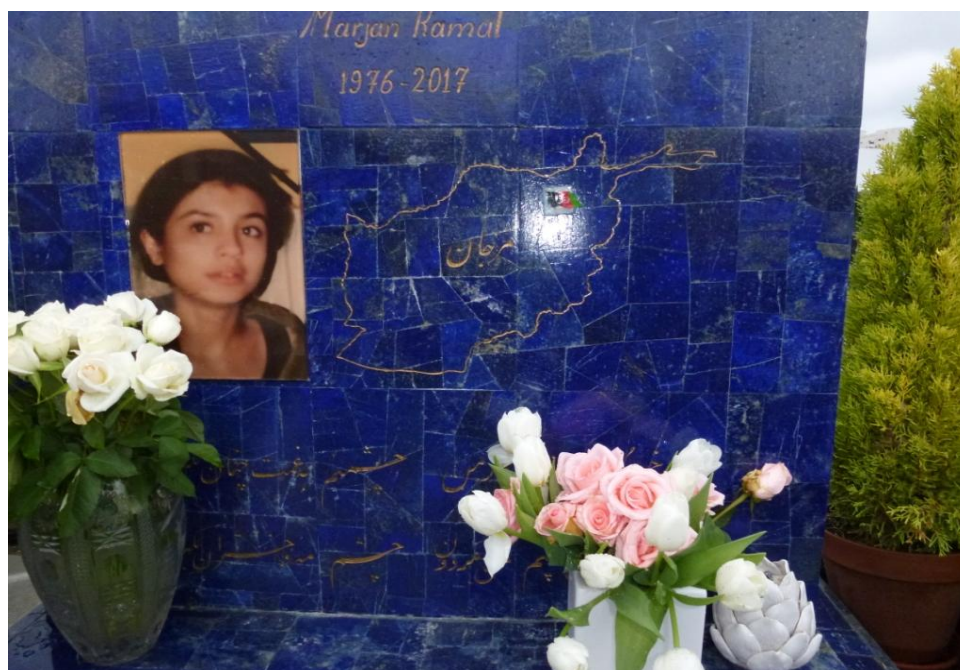
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت دوم

آه بیتاب شدن، عادت کم حوصله هاست
در دلم هستی و بین من و تو فاصله هاست

بی قرار تو ام و در دل تنگم گله هاست
همچو عکس، رخ مهتاب که افتاده در آب



ترکستان، افغانستان و بدخشان

مطالعات و کار های کریستین نوئل کریمی (Christine Noëlle Karimi) نشان دهنده تحلیل و انالیز از پدیده های دوباره تشکیل شدن به تعقیب ظهور و پیدایش دولت در منطقه ترکستان و بدخشان است، که در آن جا تاجک ها با ازبک ها در کنترل قلمرو سهمیم بودند.

این اخیرالذکر ها (ازبک ها) در قرن شانزدهم میلادی آخرین مهاجرین از جمله چندین موج مهاجرت ها، بین قرون سیزدهم و چهاردهم میلادی می باشند.

منطقه شمال - شرق، از کابل توسط سلسله کوه های هندوکش و قله های بلند کوه های بامیان جدا گردیده است. این منطقه از یک طرف شامل دشت های ترکستان افغانستان می باشد که از دامنه کوه هندوکش به طرف آسیای مرکزی و ترکستان افغانستان وسعت یافته است و با موجودیت دریای آمو خاتمه می یابد؛ و از طرف دیگر کوه های بدخشان در شمال - شرق افغانستان که همانا سلسله ارتفاع بلند پامیر می باشد. منطقه ترکستان افغانستان از زمین های حاصل خیز زراعتی آبی که توسط تپه های ریگی از هم جدا شده اند، تشکیل گردیده است.

طرف غرب دره تاشقرغان (به قرار نام گذاری فعلی خلم) دارای یک سیستم عریض و وسیع آبیاری است که توسط کانال ها از مسیر دریای بلخ آب مشتق گردیده و منطقه بلخ را آبیاری می کند.

که این دلالت می کند به سیستم هژده نهر، که سبب آبیاری دو صد و هفتاد و یک قریه در قرن هفدهم و در حدود سه صد و شصت قریه در شروع قرن نوزدهم میلادی گردیده بود. در سال 1880 میلادی منطقه به یک صد و هشتاد و پنج قریه تقییل یافته بوده است.

در شمال - غرب، شهر های میمنه، سرپُل (Sar-e Pol)، اندخوی و شبرغان موقعیت داشته که در قرن هژدهم و نوزدهم میلادی خنات های ازبک (Khanats) یا خان های ازبک مستقل و تحت نام چهار ولایت (Tchâhâr Welâyat) (C.N.K) بودند.

میمنه و سرپُل که به عین ارتفاع موقعیت دارند، مناطق کوهستانی می باشند، در حالی که اندخوی و شبرغان در مناطق هموار موقعیت دارند.

در شرق منطقه تاشقرغان، دشت های قندوز، خان آباد و تالقان یک راه عبوری را به طرف کوه های بدخشان تشکیل می دهند.

منطقه بدخشان به دلیل موقعیت جغرافیایی که هند را به آسیای میانه برای تجارت وصل می نماید، خیلی ها حایز اهمیت است. در مقابل دلالت می کند به یک منطقه حاشیوی به دلیل محصور بودن و پستی ها و بلندی هایش.

بدخشان به نسبت داشتن معادن اشجار قیمتی و گرانپها و همچنین داشتن اسپ ها نیز بسیار معروف و مشهور است. مرکز سیاسی اش کُشم (قله یی ظفر Qala - ye Zafar) در قرن شانزدهم میلادی و بعداً فیض آباد و جُرم در قرن نوزدهم میلادی، بود.

تقسیم شدن جمعیت ترکستان و منطقه بدخشان در قرن نوزدهم میلادی بیانگر آماری است که در سال 1960 میلادی داده شده است.

ازبک ها در چهار شهر اساسی اکثریت را تشکیل می دهند، بلخ، اندخوی، میمنه و شبرغان.

برعلاوه یک جمعیت زارع و مالدار ترکمن نیز وجود دارد.

در شرق بلخ، اکثریت جمعیت، تاجک ها هستند و همچنین جمعیت ساکن و مستقر، تالقان، سیغان، قندوز و تخار را تشکیل می دهند. منطقه تخار، قندوز و بغلان، قطغن را تشکیل می دهد، که جمعیت آن در نتیجه امواج مهاجرت های پی در پی به وجود آمده است.

قطغن دو منطقه را در بر می گیرد که از نظر نژادی (ethniquement) نا متجانس می باشند:

در قطغن پائین ازبک ها بود و باش دارند و همچنان گروپ های بیجا شده دیگر ترک - مغل که تغییر مکان نموده اند، و بعضی از آن ها از قرن سیزدهم میلادی به طرف قطغن فرار نموده اند و قطغن بالا یک منطقه کوهستانی است که برای شان یک مکان مناسب را به وجود آورده که رول پناهگاه را بازی می کند.

تاجک ها در بدخشان اکثریت را تشکیل می دهند. منطقه مرکزی کوچک به صورت نسبی قابل دسترسی و حاصل خیز می باشد. در ولسوالی های فیض آباد، کشم، جرم و بهارک جمعیت تاجک و ازبک زندگی می کنند. در ارتفاعات بلند دره، تاجک های شیعه بود و باش دارند. بالاخره در مناطق بسیار بلند کوهستانی، ضحاک، اشکاشم، شغنان و واخان تاجک های اسماعلیه بود و باش دارند.

در شهر ها نظر به اهمیت سیاسی که ازبک ها به دست آوردند زبان ازبکی رایج، اما ازبک های منطقه پهلو، خلم رسوم و عادات تاجک ها را گرفته اند.

ازبک ها مشمولین محمد شیبانی (Mohammad Chaybâni) (سال وفات 1510 میلادی) را تشکیل داده، و

مهاجرت از جنوب سیر دریا (Syr Darya) بین اواسط قرن پانزدهم و شروع قرن شانزدهم آغاز گردید.

محمد شیبانی از جمله اولاده پسر چنگیز بود که در قرن نهم رهبری قوم ازبک را داشته قدرت را از گورگانی ها گرفت. در زمانی که سلطان حسین بایقرا درگذشت و اولاده او برای اخذ قدرت با هم درگیر بودند، محمد شیبانی از فرصت مناسب استفاده نموده به شمال افغانستان لشکر کشی نمود و ولایات بلخ، میمنه، بادغیس و هرات را در تصرف خود درآورد.

بعد از آن که عسکر بابر را شکست داده و از نظر نظامی فاتح شد.

محمد شیبانی بنیان سلسله چینگزید شیبانید (Tchingizide Chaybanides) را در بین سال های 1550 -

1599 میلادی گذاشت، و مرکز سیاسی امپراطوری وی دره فرغانه و شهر بخارا و سمرقند بود.

در جنوب دریای آمو در ترکستان افغانستان فعلی، منطقه بلخ به پایتخت ولایات اندخوی، بلخ، قندوز و بدخشان تبدیل می شود. و این دودمان در سال 1924 میلادی در اثر الحاق آن توسط روس ها (URSS) خاتمه می یابد.

به تعقیب دودمان چنگیزید (Tchikgizide)، توشی - تیمورید (Tuqai - Timourides) زیادتیر مشهور زیر نام

استراخانید (Astrakhanides) و یا جنید ها (Djanides) (1598 - 1740\1785)، و بعداً دودمان منغیت ها

(Manghits) (1740\1785 - 1920).

ادامه دارد